معضل اسلامی

بولنت ارس - ترجمه: حمیدرضا خردمند

یکی از آثار مهم درباره بحثهای جاری راجع به سیاست اعراب و اسلام، توسط ابراهیم کاروان از دانشگاه اتاه (Utah) به رشته تحریر درآمده که رساله اش را تحت عنوان معضل اسلامی ارائه داده است.

کاروان در این کتاب عمدتا اهمیت سیاسی حرکتهای اسلام گرایان در جهان عرب را مورد ارزیابی قرار داده و به دلایل رشد و ماهیت برخوردشان با رژیمهای حاکمه پرداخته است. مطالعه آن نه تنها به آکادمی ها و متخصصان امر توصیه می شود، بلکه طیف وسیعی از طراحان سیاسی و خوانندگان غیر متخصص نیز می توانند از آن بهره مند شوند.

کتاب مذکور حاوی تحلیلهای پیچیده بر اساس تحقیقات کاروان می باشد که از سال 1995 تا1997 دانشجوی زبده مؤسسه بین المللی مطالعات راهبردی خاورمیانه در لندن بوده است. این کتاب شامل چهار فصل و دارای نقشه و تصاویر همراه با آمار و ارقام، مقدمه، نتیجه گیری و ضمیمه است.

در قسمت مقدمه و معرفی، کاروان مطالب مشروح خود را بر ویژگیهای اسلام گرایان، از جمله تمایل نخست آنان در به دست آوردن قدرت سیاسی متمرکز نموده است. نویسنده در این کتاب محدودیتها و خصوصیات کار تحقیقی خود را با نگاهی به ویژگیهای سیاستهای بین المللی، منطقه ای و داخلی کشورهای عربی و برخوردهای آنها با اسلام گرایی در صحنه تاریخی شرح داده است.

عنوان بخش اول کتاب، مبارزان اسلام گرا است که نویسنده به تحلیل رابطه میان مذهب و سیاست در خاورمیانه عربی پرداخته است. به عقیده مؤلف، سیاست و مذهب در خاورمیانه در دو جاده و محور اصلی به یکدیگر می رسند که عبارتند از:

1- حفظ وضعیت موجود کشورها

2- ترسیم و تعیین وضعیت کنونی

حاکمان عربی تلاش دارند مشروعیت خود را بر پایه اسلام قرار دهند تا بدین ترتیب، بتوانند وضعیت موجود را در سرزمینهای عربی حفظ نمایند، در حالی که اسلام گرایان آنان را متهم به انحراف از اسلام راستین کرده و سعی دارند با پیاده کردن کامل اسلام، جامعه خود را متحول سازند.

کاروان در کتاب خود اسلام گرایان را به دو گروه اسلام گرایان نظامی و سیاسی تقسیم کرده که به ترتیب تشکیل دهنده بخش اعظم اعضای سابق اخوان المسلمین و طبقه متوسط تحصیل کرده می باشند. وی پس از بحثی فشرده پیرامون مشکل دستیابی به یک تجزیه و تحلیل صریح طبقاتی در خصوص حرکتهای اسلام گرایانه، راهبردهای اسلام گرایان سیاسی و نظامی را تشریح و تبیین می نماید. او معتقد است استراتژی اسلام گرایان نظامی، بنیادهای اساسی کشور را هدف قرار داده و عظمت آنها بیانگر کوتاهی و غفلت کشور در حمایت از رهبران و تاسیسات زیربنایی خود می باشد. آنها (اسلام گرایان نظامی) منابع درآمدزای کشور را تضعیف کرده، بدون توجه به شرایط عادی و قانونی در کشور، به تحریک قشر روشنفکر می پردازند.

از سوی دیگر، اسلام گرایان سیاسی قائل به مبارزه خشونت بار نیستند، بلکه اساسا معتقد به اتخاذ دو استراتژی جهت تاسیس یک کشور اسلامی می باشند: یکی تاسیس مؤسسات اجتماعی - اقتصادی، نظیر مدرسه، کلینیک و مراکز بهداشتی و دیگری شرکت در انتخابات در هر زمان ممکن.

در آخرین بخش فصل کتاب، کاروان وضعیت خطرناک محافظه کاران و مبارزان را علی رغم موفقیتهایی که در تاثیر گذاری بر زبان سیاسی عرب کسب می کنند، مورد بحث قرار داده است. وی نتیجه می گیرد عدم موفقیت اسلام گرایان در رسیدن به هدف، بخشی نتیجه اختلافات داخلی و بخشی نیز بدان سبب است که نتوانسته اند یک جبهه مخالف متحد تشکیل دهند.

در فصل دوم، تحت عنوان استراتژیهای کشور، کاروان راهبردهای به کار گرفته شده از سوی رژیمهای عربی در خصوص مبارزه با اسلام گرایان را مورد بررسی قرار داده است.

البته به نظر نمی رسد نویسنده تردیدها و سوءظنهای موجود پیرامون قتل عام الجزایر را مورد ملاحظه قرار داده باشد که ممکن است بعضی از مقامات رسمی نظامی در کشتارها دست داشته باشند، در حالی که گفته می شود بین ماههای اوت تا اکتبر1997، دو هزار تن به دست شبه نظامیان اسلامی به قتل رسیده اند.

دومین راهبرد، مشروعیت مذهبی نام دارد. حکومتها با استفاده از این استراتژی، حلقه کنترل و نظارت بر مؤسسات مذهبی را تنگتر کرده و رهبرانی را با فکرهای بسته و منجمد انتخاب می نمایند. آنها برای تاکید بر وفاداری خود به اصول اسلامی، از الگوها و سمبلهای اسلامی استفاده می کنند.

سومین راهبرد، استفاده از طیف طرفداران سیاستهای مرکز است تا بدین ترتیب، اسلام گرایان بتوانند با انجام نوعی معامله و کنار آمدن با آنها، به منابع، موقعیتها و خدمات شغلی دست یابند.

چهارمین راهبرد، استفاده از پلورالیسم کنترل شده به عنوان نوعی تلاش برای پیشبرد روندهای سیاسی است که با اجازه دادن به بعضی از اسلام گرایان برای بیان برخی اصطلاحات سیاسی صورت می پذیرد.

در آخرین قسمت این فصل، کاروان از انتخاب و به کار گیری نوعی سیاست و جابجایی در تطابق با اسلام گرایان سخن به میان آورده است. وی معتقد است طرز تلقی و آگاهی رهبران و محدودیتهای ساختاری، نظیر توقیفهای مالی و مسائلی که به حقانیت و مشروعیت حکومتها ارتباط می یابد، غالبا مشخص کننده انتخاب روشها و روندهای اجرایی است.

او نتیجه می گیرد با وجود آن که حکومتها نتوانسته اند حرکتهای اسلام گرایان را نابود کنند، موفق شده اند از سلطه آنان بر جهان عرب جلوگیری نمایند.

فصل سوم اوضاع منطقه ای نام دارد که درباره حرکتهای اسلامی است و به آن به عنوان یک پدیده منطقه ای که می رود تا فراتر از سیاستهای داخلی کشورها قرار گیرد، نگریسته شده است. نویسنده در این مقوله، مطالبش را بر سیاستهای منطقه ای و پدیده های اقتصادی و همچنین شکستهای نظامی اعراب به دست اسرائیل، دلارهای نفتی کشورهای عربی و منابع خصوصی آنها متمرکز کرده است. جالبتر آنکه وی بیش از آنکه به منابع منطقه ای در حمایت از مقوله کمکهای ناشی از دلارهای نفتی به اسلام گرایان اشاره کند، به بعضی اندیشمندان غربی مشهور به ضدیت با اسلام گرایان اشاره نموده است. وی همچنین از اتحاد منطقه ای، انقلاب ایران و اهداف آن، یعنی صدور انقلاب، سخن به میان آورده است. به عقیده وی، فقدان اتحاد منطقه ای، اساسا به خاطر شکست تجربه سودانیها و ایرانیها است. دلیل دیگر فقدان اتحاد وسیع منطقه ای، سیاستهای عمدی رژیمهای عربی در تمایل به اتخاذ سیاستهای پیشگیرانه، نظیر اقدامات و همکاریهای امنیتی پس از شناخت ویژگیهای مخالفین فرامرزی خود می باشد.

کاروان در فصل چهارم کتاب خود تحت عنوان غرب و اسلام گرایان اظهار می دارد که ظهور حرکتهای اسلام گرایانه و افزایش حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب صرفا امری اتفاقی نیست.

وی سپس مطالب خود را با تحلیل ارزشمندی پیرامون درک متقابل غرب و اسلام گرایان از همدیگر ادامه می دهد. او همچنین توجه خوانندگان را به همگرایی منافع متقابل میان غرب و اسلام گرایان و تمایلات آنها جهت همکاری با یکدیگر، آن چنان که در جهاد افغانستان مشاهده شد، معطوف داشته است.

نکته مهم دیگر این فصل که کاروان بر آن تاکید داشته، منافع همگرایانه در چارچوب اردوگاه غربیها است، نظیر آنچه در الجزایر مشاهده شد; جایی که آمریکا و فرانسه در مسائل مختلف، منافع خود را در مخاطره می بینند. او همچنین در اشاره اش به نگرانی غرب راجع به حفظ وضعیت موجود کشورها که گاه به معنای تحمل خشونت و نقض حقوق اولیه انسانی و حتی خشونتهای سنگینتر، همانند الجزایر و یا حرکت طالبان در افغانستان می باشد، درست ارزیابی کرده است.

در خاتمه، کاروان نظریه ای را مطرح می کند مبنی بر آنکه فرضیه ماهیت اسلامی وجود ندارد، زیرا عقاید و آموزشهای اسلامی به عوامل زیادی بستگی داشته و اغلب شدیدا با آنها مخالفت شده و تفاسیر مختلفی از آن، در جهان عرب شده است و رژیمهای عربی به خاطر مشروع جلوه دادن موقعیتهایی که دارند، این تفاسیر را برای خود اتخاذ می نمایند. وی در پایان نتیجه می گیرد که اسلام گرایان در سیاستهای آینده جهان عرب نمی توانند به عنوان یک نیرو خود را مطرح نمایند و حضور فزاینده آنها در صحنه های اجتماعی، به معنای قدرت سیاسی آنان نیست. با وجود این، چنانکه در بین دانشجویان غربگرا مشاهده می شود که رفتاری منفی به اسلام گرایی در سرزمینهای بومی خود دارند، اما رساله کاروان، او را در ردیف تاجران بنیادگرایی قرار نمی دهد. در واقع، این کتاب با داشتن منابع غنی، چارچوب ساختاری، ایده ها و برداشتهای مطرح شده، موضعگیریهایی که در سرزمینهای مربوطه داشته و عبارات ساده و شیرینی که در آن به کار رفته، خدمت ارزشمندی به دانشجویان محسوب می شود و انتظار می رود به عنوان منبعی جهت مطالعات آتی درباره نقش اسلام در صحنه سیاسی جهان معاصر عرب مفید افتد.